

۱- سیاستهای فرهنگی پهلوی دوم از منظر امام خمینی :

همه می‌دانند که محمدرضا دوران جوانی و تحصیل خود را در غرب گذرانده بود همین مسئله سبب شده بود که فرهنگ غرب در تربیت او تأثیری عمیق داشته باشد وقتی که زمان ولیعهدی وی تمام شد و به مقام شاهی رسید فرصت خوبی برایش فراهم شد تا این فرهنگ دریافتی از غرب را در کشور به اجرا در آورد به چند نمونه اشاره‌ای گذرا می‌کنیم:

اضمحلال فرهنگ:

«آنچه می‌توان گفت ام‌الامراض است رواج روز افزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سالهای بسی طولانی جوانان ما را به افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمار زده حاصل نمی‌شود باید کوشش کنید مفسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت‌ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی- انسانی را جایگزین کنید تا نسل‌های آینده با روش آن که انسان‌سازی و عدل‌پروری است تربیت شوند.»^۱

«مملکت ما را به اسم تمدن بزرگ همه چیزش را به عقب زدند فرهنگ ما یک فرهنگ استعماری است که نمی‌گذارد بچه‌های ما تربیت و رشد پیدا کنند بعد از تقریباً هفتاد سال مدرسه داشتن و سی و چند سال یا بیشتر دانشگاه داشتن مع‌ذلک اگر یک لوزه‌ای را بخواهند عمل کنند می‌گویند که باید برود به لندن عمل بکند اگر یک کسی سینه‌اش مثلاً درد داشته باشد یا در یک مرض چه باید برود به خارج برای اینکه نگذاشته‌اند نیروی جوانهای ما رشد و تربیت پیدا کنند.»^۲

از بین بردن نیروی انسانی:

«سپاه دانش، سپاه چه، سپاه دین، سپاه چه این را همه مردم می‌دانند که این سپاه دانش و دین برای چه رفته است توی این دهات اینها همه‌اش برای ثناخوانی برای ایشان است همه‌اش برای تبلیغ باطل است همه‌اش مأمور این هستند که این مردم را عقب نگه دارند این مردم را تبلیغات بکنند که این مردم همه‌اش تابع شاه باشند» چه امر خداوند چه امر شاه» باشد منطق مردم تمام این کارهایی که این آقا کرده است برای این مملکت اینها را برگردانده است به عقب.»^۳

«ما الآن یک کشوری داریم که سالهای طولانی و خصوصاً در این پنجاه و چند سالی که این پدر و پسر غیر صحیح، این پدر و پسر جنایتکار در این مملکت حکومت کردند نیروی انسانی ما را از بین بردند الآن شما باید چراغ

۱ روح‌الله خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۱ ص ۱۶۱

۲ همان، جلد ۵ ص ۱۳۲

۳ همان، جلد ۲ ص ۱۷۸

بردارید و بگردید دوره که انسان پیدا بکنید نگذاشتند انسان پیدا بشود دانشگاه‌ها را نگذاشتند دانشگاه اسلامی باشد دانشگاه انسانی باشد مدارس ما را نگذاشتند درست ما درس بخوانیم فشارها اختناقها در آن زمان در این زمان هر کدام به یک شکلی جوانهای ما را برایشان مراکز فحشا تهیه کردند و تشویق کردند به این مراکز فحشا مراکز فحشا را می‌گویند بیشتر از کتابخانه هست و همینطور هم هست حالا انشاء... امیدوارم جلوگیری شده باشد.»^۱

جشنهای ۲۵۰۰ ساله:

«دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می‌کند جشن تولد این و آن جشن بیست و پنجمین سال سلطنت جشن تاجگذاری و از همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی که خدا می‌داند چه مصیبت و سیه‌روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار به بار آورده است بودجه هنگفت و سرسام‌آوری که در این امر مبتذل صرف می‌شود اگر برای سیر کردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه‌روزها خرج می‌شد تا اندازه‌ای از مصیبتهای ما می‌کاست لکن استفاده‌جویی و خودکامگی نمی‌گذارد که اینها به فکر ملت باشند دستگاه جبار ما پول ملت مسلمان برای شاهانی که در هر عصر ملتها را در زیر چکمه‌های نظامی خود خرد کرده‌اند شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی داشتند شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بودند و نامه مبارک حضرت رسول اکرم (ص) را پاره کردند شاهانی که نمونه آنها در عصر حاضر پیش چشم همه است جشن می‌گیرند و چراغانی می‌کنند دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می‌باشند.»^۲

«گفتند ما جشن ۲۵۰۰ ساله را می‌خواهیم چه کنیم جشن آنها باید بگیرند که زندگی دارند آنها باید بگیرند که یک حکومتی دارند که در تحت نظر آن حکومت در رفاه هستند در پناه هستند شماها راه دارید و آن این است که یکی یک کاغذ بنویسید کاغذ که آنقدر تمبرش پولش زیاد نیست ولو مقوله شما کم است لکن یک کاغذ برای خاطر خدا بنویسید به حکومت ایران بگوئید که : آقا این جشن را دست از آن بردارید مردم گرسنه‌اند گرسنه‌ها را سیر کنید.»^۳

تبلیغات واهی در مورد تمدن بزرگ:

«آقا ما وارث یک مملکت هستیم که همه چیزش را این مردم به باد فنا داد همه چیزش را شما روی هر مطلبی که دست بگذارید روی هر مظهري از مظاهر تمدن که دست بگذاری این به باد داده است به باد داد و فریاد زد که من تمدن بزرگ آورده‌ام دانشگاه ما را به باد فنا داد زراعت ما را به باد فنا داد نفت ما را همه‌اش تقریباً داد (می‌گوید

۱ روح‌الله خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۷ ص ۹۳

۲ همان، جلد ۱ ص ۱۵۸

۳ همان، جلد ۱ ص ۱۷۱

بیست سال دیگر مانده تمام بشود اینطور که شما می‌دهید بله) همه چیز را به باد فنا داد جوانهای ما را فانی کرد و به باد فنا داد از همه جنایتها بالاتر از دست دادن نیروی انسانی است.»^۱

«از اول ما مبتلا به ادعاها بودیم زمانی که محمدرضا خان بود اینها ادعاها پشت سرهم رادیو فریاد می‌کرد و تلویزیون اعلامیه‌اش را می‌داد و مطبوعات هم دنبالش و هر وقت آدم روزنامه را باز می‌کرد اولش اعلیحضرت آریامهر چه فرمودند علیا حضرت چه فرمودند ملکه شهبانو چه فرموده هر وقت رادیو را باز می‌کردید همین حرفها بود هر کس صحبت می‌خواست بکند می‌بایست همین حرفها را بزند خودشان هم دائماً از همین حرفها می‌زدند که: «مملکت را ما چه وضعی کردیم ما به تمدن بزرگ می‌خواهیم برسانیم ما چه می‌خواهیم بکنیم» وقتی ردش کردند و رفت فهمیدیم که هیچ کاری نکرده هیچ غلطی نکرده شما دست روی هر یک از مظاهر تمدن بگذارید می‌بینید خراب است و این خرابش کرد.»^۲

۱ روح‌الله خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۴ ص ۲۵۴

۲ همان، جلد ۴ ص ۲۷۱